

خوانندگان و ما

آقای دکتر مهدی روشن ضمیر استادیار گروه
تاریخ دانشگاه اصفهان طی نامه‌ای در مورد مقاله «ارتش
ایران در دوره زندیه»، نوشته آقای دکتر پرویز
رجبی که در شماره ۳ سال ششم این مجله درج شده
بود بمطالبتی چند اشاره نموده‌اند که عیناً در این
شماره برای اطلاع خوانندگان بچاپ آن مبادرت
شده است.

نرسی‌های تاریخی

محقق دانشمند آقای پرویز رجبی در شماره ۳ مجله بررسیهای تاریخی مقاله‌ای انتشار داده‌اند که طی آن درباره ارتش ایران در دوره زندیه بحث جالبی نموده‌اند ولی در چند جای آن نکاتی جلب توجه میکند که به عقیده اینجانب بایستی اصلاح یا تکمیل گردد. از جمله در صفحه (۱) مقاله خود چنین نوشته‌اند:

« نیروی دریائی ایران آن‌چنان نبود که بتوان از آن بعنوان یک واحد نظامی یاد کرد. زمانی که کریم خان زند (۱۱۹۳-۱۱۶۵) برای اولین بار - برای حمله به عمان - ناگزیر از یک جنگ دریائی بود - به سبب نداشتن نیروی دریائی قابل ملاحظه - مجبور شد که از والی دولت عثمانی در بغداد - برای عبور پیاده نظام ایران از طریق زمینی بطرف عمان - اجازه عبور بخواهد.»

ابتدا بپردازیم به نظر کریم خان زند برای حمله به عمان از راه خشکی و عبور از بصره و صحراهای بی‌انتهای و خشک و سوزان جنوبی خلیج فارس. در اینجا از نویسنده محترم باید پرسید آیا واقعاً میتوان تقاضای کریم خان زند را مبنی بر اجازه عبور سپاهیان از بیابانهای بی‌آب و علف و سوزان ساحل جنوبی خلیج فارس منطقی تلقی کرد؟ چگونه ممکن است فرمانروائی مانند کریم خان چنین اندیشه‌ای به خود راه داده باشد که سپاهیان و دواب ارتش خود را از چنان راهی دور و دراز و بی‌آب و علف و سوزانی بسوی مقصد بحرکت درآورد. معمولاً در این زمان جنگها را در فصل بهار آغاز میکردند تا اسبان و حیوانات بارکش لشکر از علف بیابان و دشتها تغذیه نموده و اشکالی برای تهیه و حمل مشکل علوفه وجود نداشته باشد.

در هر صورت این قابل قبول نیست که کریم خان زند که در با هوشی و زیرکی زبانزد مردم آن زمان بوده اصولاً بفکر چنین تصمیمی افتاده باشد و اگر میرزا مهدی استرآبادی و ابوالحسن گلستانه وقایع نگاران آن دوره که هیچگونه اطلاعی از اوضاع جغرافیائی و سیاسی کشورهای همجوار

نداشته‌اند چنین مطالبی نوشته‌اند ما نباید باین قبیل نوشته‌های آنان اهمیتی دادیم و قوی بگذاریم.

نویسنده مقاله در جای دیگر اینطور اظهار عقیده کرده‌اند:

«بسیب نداشتن نیروی دریائی قابل ملاحظه...»

در اینجا نیز بایستی خاطر نشان ساخت که گرچه کریم خان در ابتدای کارش، بگفته نیبور C. Niebuhr^۱ «حتی يك كشتی هم نداشت» ولی پس از پیروزی بر میرمهنای زعابی و بدست آوردن خزائن موجوده وی در جزیره خارگ، نیروی دریائی او نیز بدست کریمخان افتاد.

کشتی‌هایی که کریمخان بدینوسیله بدست آورد بیشتر آنهایی بودند که میرمهنای خود داشته و یا با حملات دریائی خود در خلیج فارس بغنیمت برده بوده. از جمله هنگامیکه در اول ژانویه ۱۷۶۶ میلادی (۱۱۷۹ هجری) با حمله ناگهانی خود جزیره خارگ را متصرف شد همه اموال و ذخایر هلندیها از جمله کشتیهای آنانرا بدست آورد.^۲

چندی قبل از آنهم یعنی در اواسط سال ۱۷۶۵ میلادی یا ۱۱۷۸ هجری هنگامیکه نیروی دریائی متشکل هلندیها و شیخ سعدون بجزیره خارگو که در آن موقع پناهگاه میرمهنای بود حمله نموده بودند بواسطه اختلافی که بین خودشان افتاد شکست سختی از میرمهنای خورده تقریباً همگی کشته شدند

1- Carsten, Niebuhr: Reisebeschreibung nach Arabien und andern umliegenden Laendern, Kopenhagen 1774, S.93

2- A Chronicle of the Carmelites in persia and the papal Mission of the XVIIIth centuries, vol. I, P. 667/ Kelly, John B; Britain and the Persian Gulf, Oxford 1968, p. 54/ parsons 193/Niebuhr II. S. 195-6

تاریخ گیتی‌گشای نامی ص ۱۶۳ بجمد

برای اطلاع بیشتر در این باره به مقاله اینجانب در مجله بررسیهای تاریخی شماره ۲ سال ششم مراجعه فرمائید.

و فقط عده بسیار کمی توانستند جان خود را با شنا کردن نجات دهند.^۳
البته مسلم است که کشتیهائی که متحدین شکست خورده با خود آورده بودند همگی بتصرف میرمهنا درآمده بود.

بهر حال پس از این پیروزیها میرمهنا حاکم مطلق خلیج فارس شده پی در پی کشتیهای بیگانه را مورد حمله قرار داده آنها را بنفع خود ضبط مینمود. از جمله در همان سال بیکی از کشتیهای بزرگ انگلیسی بنام Speedwell حمله کرده آنرا با تمام کالاهایش تصاحب نمود.^۴

اطلاعات دیگری نیز از این زمان موجود است که همگی دلالت میکنند بر اینکه کریمخان زند در خلیج فارس دارای نیروی دریائی نسبتاً قوی بوده است.

از جمله هنگامیکه در سال ۱۷۷۳ میلادی (۱۱۸۶ هجری) تجاران انگلیسی با کشتیهای مسلح خود بصره را بعزم هندوستان ترك مینمودند در بین راه یعنی در خلیج فارس بفرمان کریمخان دو کشتی آنان بنامهای Drake و Tyger مورد حمله ناوگان ایرانی قرار گرفته بیکی از آنان فرار کرده و کشتی Tyger بدست ناخدایان ایرانی توقیف شده به بندر ریگ برده میشود.^۵

در سال ۱۷۷۵ میلادی (۱۱۸۹ هجری) زمانیکه صادق خان زند بفرمان برادرش کریمخان به بصره حمله کرده بود انگلیسها بابکار انداختن کشتیهای جنگی خود در صدد دفع سپاه ایران افتادند ولی مورد حمله سپاهیان و نیروی دریائی ایران قرار گرفته عقب نشینی کردند.^۶

3—Niebuhr, II, S. 195/A Chronicle of ... (Carmelites) II. P.667/Malcolm, Sir John; The History of persia, London MDCCCXV, vol. II, P.135—6

و تاریخ کیتی کشای میرزا محمد صادق نامی ص ۱۶۳

4— Wilson, Arnold T., The Persian Gulf, p. 182

5—Parsons, Abraham; Travel in Asia and Africa, London 1808, P.183—4/
Wilson, A.; The Persian Gulf, p. 182—4

6— Parsons, p. 164/Wilson, P. 184/

کیتی کشا ص ۷-۱۸۸۶ / فارسنامه ناصری ص ۲۱۸ / روضه الصفا ج ۱ ص ۲۱۱

مدتی بعد هنگامیکه انگلیسها سقوط بصره را پیش بینی کرده بودند بفکر نجات خود افتاده در ۱۱ آوریل آنسال تمام بساط خود را در کشتیها بار کرده بصره را ترك نمودند. دو کشتی بزرگ انگلیسها بنامهای Success و Eagle و چند کشتی متعلق بدولت عثمانی نیز در این سفر در معیت آنها بود. این گروه کشتیها در روی اروند رود مورد حمله ناوگان نیروی دریائی ایران قرار گرفته پس از آنکه بواسطه اصابت گلوله لطمات زیادی به آنها وارد آمد فرار کرده در ۱۳ آوریل به بندر گرین (Grane) (کویت امروزی) وارد میشوند. در آنجا برای تعمیرات کشتیهای خسارت دیده خود مدتی توقف کرده و سپس بسفر خود ادامه میدهند.^۷

در ماه جولای آنسال یعنی ۱۷۷۵ میلادی صادق خان زند یکی از کشتیهای بزرگ نیروی دریائی ایران را برای حمل يك توپ بزرگ پنجاه پوندی که در بوشهر بود بدان بندر کسپیل میدارد.^۸

توضیح آنکه آبراهام پارسونس Abraham parsons مؤلف کتاب «مسافرت در آسیا و آفریقا» در تمام جریانات فوق بشخصه حضور داشته و ناظر کلیه وقایع بوده است.

آقای رجیبی در جای دیگر نوشته اند: «تعداد این قایقها و نیروی ضربتی آنها باید آنقدر کوچک بوده باشد که هنگامیکه خوارج عمان برای یاری بصره از طریق دریا به بصره نزدیک شدند صادق خان مجبور شد که دهانه اروندرود را وسیله زنجیری آهنین ببندد» نویسنده محترم سپس اضافه کرده اند:

«بنا بر مطالب یاد شده - نیروی دریائی ایران در زمان زندیه چندان مهم نبود و اگر هم چند کشتی در خلیج فارس میشد فراهم کرد - باز مانده ای بود مختصر از کشتیهای جنگی نادرشاه»

7- Parsons, P. 182/Wilson, P. 185

8- Parsons 200

خیال میکنم پاسخ این مطلب را در بالا با ذکر نکاتی چند داده باشم و دیگر احتیاجی به تکرار آن نباشد.

در هر صورت برخلاف عقیده آقای رجیبی دولت ایران در زمان زندیه دارای آنچنان نیروی دریائی بوده است که قادر بوده توسط آن نیرو کشتیهای انگلیسی و عثمانیان را شکست داده تار و مار کند. اگر نیبور Niebuhr گفته « کریم خان حتی دارای يك کشتی هم نبود»^۹ مربوط به اوایل کار کریم خان یعنی سالهای ۱۱۶۵ هجری (۱۷۵۰ میلادی) بوده و ربطی به سالهای بعد نداشته است.

از طرف دیگر موضوع بستن زنجیر در وسط رودخانه برای جلوگیری از عبور کشتیها يك نوع تاکتیک نظامی بوده و دلیلی بر ضعف نیروی دریائی ایران نمیتوانست باشد. از آن گذشته چنانچه میدانیم همین زنجیر باندازه ای ضعیف بوده که در اثر يك طوفان و یا ضرباتی که توسط کشتیهای خوارج عمان بدان وارد کرده بودند از هم گسیخته شده بود.^{۱۰} تازه همین ده کشتی بزرگ جنگی خوارج عمان که بکمک اهالی بصره آمده بودند با وجودیکه توسط کشتیهای دولت عثمانی یعنی حاکم بغداد و بصره پشتیبانی میشدند باز هم نتوانستند حریف نیروی دریائی ایران شده و بالاخره فرار را برقرار ترجیح داده پس از پنج ماه زد و خورد مجبور بباز گشت شدند.^{۱۱} اما موضوع دیگر اینکه نویسنده محترم مقاله وقتی از کتابی نقل قول مینمایند نام کتاب و نویسنده را طوری ذکر میکنند که برای خواننده

9- Niebuhr II, S. 93

10- Oppenheim, V.M.; Vom Mittelmeer zum persischen Golf 2. Bd. Berlin 1899, S. 342

و تاریخ گیتی گشا اثر میرزا مهدی استرآبادی چاپ تهران ۱۳۱۷ ص ۲۰۰-۱۹۵ و فارسانامه

ناصری ج اول ص ۲۱۸

۱۱- تاریخ گیتی گشا ص ۱۹۲ بعد/ فارسانامه ناصری ص ۲۱۸/ تاریخ منتظم ناصری

(معجم حسن خان صنیع الدوله) ص ۳۱۶

مفهوم درستی ندارد. مثلاً ایشان در پاورقی‌های شماره ۳۰، ۴۱ و ۴۹ همه‌جا نوشته‌اند « روشن ضمیر» منظور از آن چیست آیا نام نویسنده است اگر چنین است کدام کتاب؟

در صورتیکه ایشان از کتاب اینجانب استفاده کرده‌اند لازم بود نام کتاب را (Die Zand- Dynastie, Hamburg 1970) ذکر می‌کردند و مضافاً باینکه در حال حاضر در دو دانشگاه تبریز و اصفهان دو نفر با نام و نام خانوادگی یکسان (مهدی روشن ضمیر) تدریس میکنند و لازم بود نویسنده مقاله باصراحت بیشتری مینوشتند از کتاب چه کسی استفاده کرده‌اند.

نکته دیگر که بایستی خاطر نشان نمود پاورقی شماره ۳۰ صفحه ۹ مقاله ایشان میباشد که در آن چنین آمده: « رستم‌التواریخ ص ۴۴۳ به بعد (به نقل از دکتر روشن ضمیر ص ۱۹۶).

بنده اگر در صفحه ۱۹۶ کتاب خود رستم‌التواریخ را بعنوان منبع ذکر نموده‌ام هیچگاه اسمی از صفحه نبرده بلکه چون کتاب نامبرده که در اختیار اینجانب بوده نسخه خطی بوده است همه‌جا واژه برقم (از جمله در این مورد « برگ ۴۴۳») قید کرده‌ام که لازم بود نویسنده محترم این موضوع را نیز مورد نظر قرار میدادند.

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی